

## فرهاد آبادانی

استاد زبان و ادبیات پهلوی

### واژه پهلوی Astvidatiha

زمانی که در « مدرسه السنه شرقی سرجمشید جی بمبئی » ،  
Sir J . J . School of Oriental Studies , Bombay به تحصیل زبانهای  
ایران پیش از اسلام اشتغال داشتم، یکی از کتابهای پهلویی که مورد بحث و تحقیق  
بود، کتاب پهلوی داتستان دینیک بود. این کتاب همانطور که از عنوان آن پیداست  
در باره آداب و رسوم و داد دین گفتگو مینماید . در متن این کتاب واژه‌هایی است که  
تمام مترجمین و یا بهتر بگویم پهلوی خوانها، در خواندن و معنی‌شان بایکدیگر  
توافق ندارند. از دیر باز در باره این واژه و معنی آن بجمع آوری یادداشت‌هایی مشغول  
بوده‌ام تا آنکه اخیراً مقاله‌ای در باره همین واژه از یکی از استادان زبان پهلوی که در مدرسه  
مذکور به تدریس زبان پهلوی اشتغال دارد ملاحظه شد . چون این تحقیقات از  
طرف دانشمندی انجام شده است که در زبان پهلوی قولش مورد قبول اهل فن است  
در این نوشته از آن استفاده فراوان کردم و یادداشت‌های خود را با مطالب آن مقاله  
تلفیق نمودم . امید است این مختصر بتواند کمکی بدرست خواندن واژه مورد

بحث بنماید . (۱)

در پرسش بیست و چهار ، از کتاب پهلوی داستان دینیک ، (۲) حالت روان گناهکاری که سه روز از مرگ وی میگذرد ، تا پیش از بر آمدن آفتاب روز چهارم بیان گردیده است . این هنگامی است که روان آدمی ، برای جواب گویی درباره رفتار و کردار این جهانی ، بسر چینود پل Chinvat - Pohl (= پل صراط ) حاضر و سر نوشت جهان دیگرش معلوم می شود . در کتاب داستان دینیک ، چاپ هیربد تهورس دینشاه انکلساریا (۳) صفحه ۵۲ سطر ۳-۶ اینطور آمده است :

--- U gandak Vātī apāxtarikha be ōi Patīrak āyēt  
U astvidātihā nipadmishnihā U ahām - tachishnihā bé ōi  
hamār rasēt .

۱. دینشاه انکلساریا ، سه روز از مرگ وی تا پیش از آمدن آفتاب روز چهارم

۲. داستان دینیک ، چاپ هیربد تهورس دینشاه انکلساریا ، صفحه ۵۲ سطر ۳-۶

۳. دینشاه انکلساریا ، سه روز از مرگ وی تا پیش از آمدن آفتاب روز چهارم

۱ - دستور دکتر هرمز دیارمیرزا ، نویسنده مقاله یاد شده ، یکی از دانشمندان بنام زبانهای پیش از اسلام است که در مدرسه السنه شرقی سرجمشید جی ، بتدریس زبانهای ایران کهن مشغول است . دانشمند نامبرده ، جانشین اسناد روانشاد دکتر جمشید مانکجی اونوالا است و ریاست مدرسه مذکور را نیز عهده دار است . دکتر اونوالا نیز بسبب تألیفات بسیارش ، در بین ایرانشناسان شهرتی خاص دارد .

2 - West, S. B. E. Vol. XVIII. p. 56 .

3 - Ervad T. D. Anklesaria .

واژه‌یی که بصورت **م-م-و-ن-ن-و-ن-ن-و-ن** و در جمله بالا یاد شد، مبهم بنظر میرسد. این واژه از طرف مترجمین متن مزبور، بشرح زیر تفسیر شده است:

پروفیسور وست West در دوره « کتب مقدس شرق »، جلد هیجدهم، صفحه ۵۶ (۱) آن را بصورت Asto - sistihá بمعنی « لرزه بر استخوان افتادن و سراپا لرزان »، خوانده است.

در یادداشت شماره ۲ همان صفحه متذکر می شود که: « ... ترجمه این واژه مشکوک است ».

مسلماً پروفیسور وست ریشه واژه را Saéd دانسته که بمعنی « تقسیم نمودن منشعب کردن، شکافتن و خرد کردن است ».

دو تن از دانشمندان پهلوی دان، بنامهای انکلساریا Anklesaria و بروچا Bharuchal، که متن مزبور را بگجراتی ترجمه نموده‌اند، این واژه را بمعنی « مکث کنان، متوقف و مردد » گرفته‌اند. از قرار معلوم، مترجمین پارسی، ریشه واژه را از  $\sqrt{\text{Stā}}$  «ستا» و بمعنی « ایستادن » دانسته‌اند. از سیاق عبارت بخوبی آشکار است که مترجمین نامبرده دلالت واژه را درست حدس زده‌اند، اما خواندن و شرح کلمه همچنان مبهم باقی مانده است.

طبق یادداشت هائی که انکلساریا Anklesaria در تصحیح متن خویش و در زیر نویس آورده است، واژه مزبور را بر حسب اختلاف نسخه‌های خطی، بشرح زیر پیشنهاد مینماید:

در نسخه خطی با علامت J1 باین صورت آمده است **𐭍𐭏𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕**  
 در نسخه های خطی با نشانه های J2 و H و DF این چنین آمده است .  
**𐭍𐭏𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕** در نسخه خطی به نشانه K35 این طور نوشته  
 شده است **𐭍𐭏𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕** باید در نظر داشت که از سیاق عبارتی که این  
 واژه در آن بکار برده شده و با تفکر درباره واژه های مختلف که در متون مختلف  
 بکار رفته ، چنین بنظر میرسد که آنچه در نسخه با علامت J1 آمده است بمفهوم  
 نزدیکتر و شکل های دیگر نادرست است . با اندک تغییر معنی آنچه در نسخه J1  
 آمده است ، صحیح تر مینماید .

آن صورتی از واژه را که در نسخه J1 آمده است ، با اندک تغییر میتوان  
 بصورت Astvidátiha **𐭍𐭏𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕** خواند که بصورت  
 « قید » از اصل واژه astvidat و ی اوستائی Asto - vidhotu

**𐭍𐭏𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕** - **𐭍𐭏𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕𐭓𐭕** بکار برده شده است ( همچنین به

واژه اوستائی Astobid رجوع شود . (۱)

بکار بردن این واژه ، بصورت « قید » استثنائی است ، ولی از خصوصیات  
 نویسنده کتاب داستان دینیک ، استعمال واژه ها بصورت استثنائی و نادر آن است . در  
 بسیاری موارد ، نویسنده کتاب داستان دینیک ، واژه ها و ترکیبات و تشبیهاتی بکار  
 میبرد که در سایر نوشته های پهلوی دیده نمی شود و تنها از ویژگی های آثار او است .  
 بنظر میرسد که وی از آن روی ترکیبات و تشبیهات نادر بکار میبرد که بنوشته های

۱ - رجوع شود به ادبیات مردیسا ، یشتها ، جلد اول ، تألیف روانشاد پوردادود ،

خود رونق و تأثیری بیشتر بیخشد. آشکار است که نویسندۀ کتاب، این واژه را که در این سیاق بر طبق ریشه و لفظی که مفهوم آن « استخوان شکسته شده » یا « حال کسیکه استخوانهایش شکسته شده باشد »، می باشد، بکار برده است. مقصود نویسنده، از بکار بردن این واژه آنست که، می خواهد بخوانندگان یادآور شود که روان فرد گناهکار، در بامداد روز چهارم پس از مرگ، از روی بی میلی و با تردید، برای پس دادن حساب کارهای این جهانی خود، بسرچینود پل (پل صراط)، حاضر می شود، و همانند کسیکه استخوانهایش خرد و یا شکسته شده باشد، بسوی محکمۀ الهی گام بر میدارد.

واژه ای که پس از کلمۀ Astvidátihá و در متن مزبور آمده چنین است:

۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴ ۶۸۵ ۶۸۶ ۶۸۷ ۶۸۸ ۶۸۹ ۶۹۰ ۶۹۱ ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲ ۷۰۳ ۷۰۴ ۷۰۵ ۷۰۶ ۷۰۷ ۷۰۸ ۷۰۹ ۷۱۰ ۷۱۱ ۷۱۲ ۷۱۳ ۷۱۴ ۷۱۵ ۷۱۶ ۷۱۷ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۰ ۷۲۱ ۷۲۲ ۷۲۳ ۷۲۴ ۷۲۵ ۷۲۶ ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۹ ۷۳۰ ۷۳۱ ۷۳۲ ۷۳۳ ۷۳۴ ۷۳۵ ۷۳۶ ۷۳۷ ۷۳۸ ۷۳۹ ۷۴۰ ۷۴۱ ۷۴۲ ۷۴۳ ۷۴۴ ۷۴۵ ۷۴۶ ۷۴۷ ۷۴۸ ۷۴۹ ۷۵۰ ۷۵۱ ۷۵۲ ۷۵۳ ۷۵۴ ۷۵۵ ۷۵۶ ۷۵۷ ۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴ ۷۶۵ ۷۶۶ ۷۶۷ ۷۶۸ ۷۶۹ ۷۷۰ ۷۷۱ ۷۷۲ ۷۷۳ ۷۷۴ ۷۷۵ ۷۷۶ ۷۷۷ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۰ ۷۸۱ ۷۸۲ ۷۸۳ ۷۸۴ ۷۸۵ ۷۸۶ ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۹ ۷۹۰ ۷۹۱ ۷۹۲ ۷۹۳ ۷۹۴ ۷۹۵ ۷۹۶ ۷۹۷ ۷۹۸ ۷۹۹ ۸۰۰ ۸۰۱ ۸۰۲ ۸۰۳ ۸۰۴ ۸۰۵ ۸۰۶ ۸۰۷ ۸۰۸ ۸۰۹ ۸۱۰ ۸۱۱ ۸۱۲ ۸۱۳ ۸۱۴ ۸۱۵ ۸۱۶ ۸۱۷ ۸۱۸ ۸۱۹ ۸۲۰ ۸۲۱ ۸۲۲ ۸۲۳ ۸۲۴ ۸۲۵ ۸۲۶ ۸۲۷ ۸۲۸ ۸۲۹ ۸۳۰ ۸۳۱ ۸۳۲ ۸۳۳ ۸۳۴ ۸۳۵ ۸۳۶ ۸۳۷ ۸۳۸ ۸۳۹ ۸۴۰ ۸۴۱ ۸۴۲ ۸۴۳ ۸۴۴ ۸۴۵ ۸۴۶ ۸۴۷ ۸۴۸ ۸۴۹ ۸۵۰ ۸۵۱ ۸۵۲ ۸۵۳ ۸۵۴ ۸۵۵ ۸۵۶ ۸۵۷ ۸۵۸ ۸۵۹ ۸۶۰ ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳ ۸۶۴ ۸۶۵ ۸۶۶ ۸۶۷ ۸۶۸ ۸۶۹ ۸۷۰ ۸۷۱ ۸۷۲ ۸۷۳ ۸۷۴ ۸۷۵ ۸۷۶ ۸۷۷ ۸۷۸ ۸۷۹ ۸۸۰ ۸۸۱ ۸۸۲ ۸۸۳ ۸۸۴ ۸۸۵ ۸۸۶ ۸۸۷ ۸۸۸ ۸۸۹ ۸۹۰ ۸۹۱ ۸۹۲ ۸۹۳ ۸۹۴ ۸۹۵ ۸۹۶ ۸۹۷ ۸۹۸ ۸۹۹ ۹۰۰ ۹۰۱ ۹۰۲ ۹۰۳ ۹۰۴ ۹۰۵ ۹۰۶ ۹۰۷ ۹۰۸ ۹۰۹ ۹۱۰ ۹۱۱ ۹۱۲ ۹۱۳ ۹۱۴ ۹۱۵ ۹۱۶ ۹۱۷ ۹۱۸ ۹۱۹ ۹۲۰ ۹۲۱ ۹۲۲ ۹۲۳ ۹۲۴ ۹۲۵ ۹۲۶ ۹۲۷ ۹۲۸ ۹۲۹ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹ ۹۴۰ ۹۴۱ ۹۴۲ ۹۴۳ ۹۴۴ ۹۴۵ ۹۴۶ ۹۴۷ ۹۴۸ ۹۴۹ ۹۵۰ ۹۵۱ ۹۵۲ ۹۵۳ ۹۵۴ ۹۵۵ ۹۵۶ ۹۵۷ ۹۵۸ ۹۵۹ ۹۶۰ ۹۶۱ ۹۶۲ ۹۶۳ ۹۶۴ ۹۶۵ ۹۶۶ ۹۶۷ ۹۶۸ ۹۶۹ ۹۷۰ ۹۷۱ ۹۷۲ ۹۷۳ ۹۷۴ ۹۷۵ ۹۷۶ ۹۷۷ ۹۷۸ ۹۷۹ ۹۸۰ ۹۸۱ ۹۸۲ ۹۸۳ ۹۸۴ ۹۸۵ ۹۸۶ ۹۸۷ ۹۸۸ ۹۸۹ ۹۹۰ ۹۹۱ ۹۹۲ ۹۹۳ ۹۹۴ ۹۹۵ ۹۹۶ ۹۹۷ ۹۹۸ ۹۹۹ ۱۰۰۰

و بدینگونه باید خواند nipadmishniha که بمعنی « تکاندادن و تلق تلق کردن » است. این واژه توسط دانشمند پهلوی دان دیگر، هیربد بهمن جی نوشیروان جی دهابر Ervad B.N Dhabhar در یادنامۀ کهره گات صفحه ۱۳۱ - ۱۳۴ (۱) و هم چنین در مجموعه مقالات ایرانی، تألیف دانشمند مذکور صفحه ۱۲۸ - ۱۳۲ نیز بخوبی و بطور آشکار، شرح و توصیف شده است. (۲)

بنظر میرسد که واژه Akám - tachishnihā « بابی میلی و بی رغبتی حرکت کردن » است، معنی عبارت غیر عادی قبلی را روشن مینماید.

بنابراین، جمله یی که در فوق از کتاب دانستان دینیک، پرسش بیست و چهار سطر پنجم نقل شد، بشرح زیر پیشنهاد می شود.

... u gandak vat i apaxtarikiha be oi patirak áyét  
u astvidátihá nipadmishnihá u ahám - tachishnihá bé ôi  
hamár raset .

گندباد اباختری (شمالی) به او پتیارك (پتیاره، جهی) آید و استویدات (دیواستویدات) (۱) نه پد منشیها (تکاندان) و اهیم تجشنیها (با بی میلی و بی رغبتی حرکت کردن). به او همار (آمارشمار) رسد.

تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم، این تنها نمونه یی است که واژه Astvidátihá بصورت «قید» بکار برده شده است.

همچنان که در بالا گفته شد، مؤلف کتاب دانستان دینیک تمایل خاصی به استعمال عبارات غیر عادی و لغات نامأنوس دارد. با وجود این، مفهوم واژه در سیاق عبارت بخوبی روشن و آشکار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

- ۱ - برای اطلاعات بیشتر درباره واژه پیشنهادی «استویدات» Astovidátihá کتابها و مآخذ نامبرده در زیر نیز دیده شود :
- الف - فرهنگ پهلوی، تألیف دکتر بهرام فره وشی صفحه ۵۰، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران - مرداد ماه ۱۳۴۶ شمسی .
- ب - واژه نامه بندهش، تألیف مهرداد بهار، صفحه ۳۵، از انتشارات فرهنگ ایران، اسفندماه ۱۳۴۵ شمسی .